

دریچه

در نشست خبری رئیس وقائم‌مقام کمیته ملی موزه‌های ایران مطرح شد

یک نانوائی قدیمی هم‌موزه است

● **شرق:** «استانداردهای جهانی درباره موزه‌ها، قطعی نیست و بستگی به مخاطب، محیط و شرایط دارد؛ برای مثال یک نانوائی که در وین نان سنتی می‌پزد از دید ایکوم موزه است؛ زیرا سال‌هاست موجودیت خود را به عنوان نانوائی حفظ کرده است». این یکی از نکاتی بود که روز گذشته در نشست خبری هشتمین دوره انتخاب موزه‌های برتر کشور با حضور رئیس و قائم‌مقام ایکوم ایران (کمیته جهانی موزه‌ها) مطرح شد.
در این نشست خبری محمد بهشتی و احمد محیط طباطبایی، رئیس و قائم‌مقام کمیته ملی موزه‌های ایران (ایکوم) حضور داشتند. این بخشی از صحبت‌های بهشتی در همین نشست است: «موزه‌ها معلول و عامل پایداری جوامع هستند و در نسبت با پایداری جوامع یک نسبت دوسویه دارند، هر چقدر موزه‌ها نقش خودشان را بهتر ایفا کنند، جامعه را به سمت ثبات و پایداری بیشتر و بهره‌مندی از این ثبات و پایداری پیش می‌برند و در غیر این‌صورت پایداری جوامع موقتی و متزلزل خواهد بود.» به گفته وی: «هر سال ایکوم شعاری برای توجه بیشتر به جنبه‌های مختلفی که موزه می‌تواند داشته باشد و نسبت موزه با محیط پیرامونش اعم از محیط انسانی، محیط طبیعی، فرهنگی و جهات مختلف مطرح می‌کند.» بهشتی در ادامه «نسبت بین موزه و پایداری» را موضوع انتخابی امسال توسط ایکوم جهانی اعلام کرد و افزود: شکوفایی موزه‌ها محصول پایداری جامعه است، در دولت گذشته برای موزه‌ها شرایط ناپایداری ایجاد شده بود و امروز با توجه به قرار و آرامش حاکم بر حوزه موزه‌ها و رونق و گسترش فعالیت موزه‌ها شاهد جنبه دیگری از موجودیت ایکوم هستیم که متأثر از این وضعیت ثبات و قرار است. در چنین فضایی ایکوم فعالیت‌هایش را گسترش می‌دهد و جمله مصادیق آن در انتخاب موزه برتر متجلی خواهد شد. در ادامه این نشست سیدمحمد محیط‌طباطبایی، قائم‌مقام ایکوم، به بیان کوشه‌ای از برنامه‌های هفته موزه‌ها، پرداخت و گفت: امسال در رأس برنامه‌های هفته موزه‌ها انتخاب موزه برتر را داریم. انتخاب موزه برتر البته یک مسابقه نیست و اهمیت آن در این است که موفقیت موزه‌های برتر می‌تواند به عنوان تجربه‌ای برای سایر موزه‌ها استفاده شود. محیط طباطبایی، با اشاره به اینکه انتخاب موزه برتر در دو بخش موزه‌های دولتی و خصوصی انجام می‌شود، افزود: موزه برتر در ۱۲ شاخص ایکوم جهانی و ایکوم ایران بررسی می‌شود. آموزش، بازدید از موزه‌ها، گردآوری، نگهداری، حفاظت، توسعه، خلاقیت، تلاش برای بقا، کودک و نوجوان و… تعدادی از شاخص‌های مورد نظر برای انتخاب موزه برتر در سطح کشور اعلام شد که در این میان بخش‌های بقا و کودک و نوجوان مربوط به ایکوم ایران است. وی با اشاره به برنامه‌های دیگر ایکوم در هفته موزه‌ها اظهار کرد: همانند هر سال موزه‌هایی که مکان ندارند توسط ایکوم معرفی می‌شوند. محیط طباطبایی، برگزاری همایش‌ها، نمایشگاه آثار مجموعه‌داران، تکريم پيش‌گويان، تجليل از واحدهای صنّی که ۸۰۰سال موجودیت خود را حفظ کرده‌اند، محکوم‌کردن تخریب موزه موصل و… را نیز از برنامه‌های ایکوم در هفته گرامی‌داشت موزه‌ها اعلام کرد. وی ابراز امیدواری کرد نگاه موزه‌ای در جامعه، تشکل‌ها، نهاده‌ها و… عمیق‌تر شود و به دلیل به وجود آمدن همگرایی فعالان در حوزه موزه، شاهد اتفاقی‌های باشیم که این نگاه‌ها را تقویت می‌کند. محیط طباطبایی در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه چرا بخش اقتصاد موزه‌ها باید توسط خود موزه تأمین شود، گفت: در هیچ جای دنیا موزه‌ها خودکفا نیستند و مردم به عنوان صاحبان میراث فرهنگی باید بدانند که حمایت از میراث فرهنگی حمایت از خودشان است و این مردم، دولت، شهرداری‌ها و… هستند که می‌توانند موزه‌ها را اداره کنند. بهشتی نیز در پاسخ به این پرسش گفت: فرض کنید یک سال در تخت‌چشمبد، حافظیه، سعدیه و سایر اماکن تاریخی شراز بسته شود، آن وقت ببینید برای رفتن به شیراز بهانه‌ای باقی می‌ماند؟ دراین صورت تمام اقتصاد منطقه شامل خرید، فروش، حمل و نقل و… که بر پایه گردشگری در منطقه استوار است از بین می‌رود؛ زیرا همه اینها به بهانه بازدید از این آثار تاریخی است که اتفاق می‌افتد. او تصریح کرد: اگر ما، اقتصاددان‌ها را متوجه این موضوع کنیم، می‌شود توقع داشت که موزه محل درآمد شود، زیرا در آن صورت می‌توان درآمد موزه را در محیط پیرامونش، نه در خود موزه و صرف فروش بلیت جست‌وجو کرد. محیط طباطبایی در پاسخ به پرسشی درباره میزان همسویبون استانداردهای موزه‌های ایران با استانداردهای ایکوم جهانی گفت: استاندارد، یک مقوله قطعی نیست و بسته به مخاطب، محیط، شرایط و… تغییر می‌یابد و ارتباطی که بین موزه و مخاطب وجود دارد مهم است. به طور مثال یک نانوائی در وین از دید ایکوم موزه است؛ زیرا سال‌هاست موجودیت خود را به عنوان نانوائی حفظ کرده است. مراسم انتخاب موزه برتر همزمان با ۱۸ اردیبهشت روز جهانی موزه، ساعت ۱۷عصر در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار می‌شود.



نگار حسینی

مردم تهران هنوز درگیر لاله‌زار و کافه‌ناداری و گردوخوری غروب‌های تابستان سر پل تجریش‌اند؛ از ترانه‌های قدیمی و پاتوق‌هایی که ۴۰ سال پیش می‌رفتند یا حتی نمی‌رفتند و فقط در مورد آن شنیده بودند، امروز با حسرت یاد می‌کنند. گویی جامعه ایرانی در تونل زمان حرکت می‌کند، منتها رو به عقب. اینجوری است که وقتی نویسنده‌ای از زندگی پیش از انقلابش در دبیرستان ژاندارک و کلاس نمایش مادم فلان و فلان می‌نویسد، مردم با «خوش به حال آن روزها» می‌خوانند و اگر ترانه‌ای می‌شنوند که روزگاری در فلان کافه

خوانده می‌شده، حالشان به یک‌باره خوش می‌شود. انگار «روزگار رفته» باید حکایت شود که امروز روز قابل تحمل باشد. ماجرا به این خاطره‌های رنگارنگ و احتمالا پر از ترانه و آهنگ محدود نمی‌شود، میل به یادآوری گذشته تا آنجا پیش می‌رود که دانش‌آموزان گریزان از درس و مشق و مدرسه دهه ۶۰، امروز با چنان حالی عکس دفتر و قلم و پاک‌کن ساده و نامرغوب آن روزها را نمایش می‌دهند، گویی ارزشمندترین داشته‌شان همین دفتر شکل فلان و توپ چهل‌تکه و کارتون هاج زنبور عسل بوده است. چرا جامعه ایرانی این همه درگیر گذشته است؟ آیا این ویژگی تمامی جوامعی است که در آنها اتفاقاتی مانند کشور ما رخ داده است؟ با «سوسن شریعتی»، دانش‌آموخته تاریخ در این‌باره گفت‌وگو کردیم.
شریعتی ۲۰ سال را در هجرت گذرانده و می‌گوید نوستالژی را زندگی کرده است:

❧ یکی از پدیده‌هایی که در جامعه ایران به وضوح می‌شود دید، تمایل به حفظ چیزی است که در گذشته تجربه شده است. ترانه‌های قبل از انقلاب و پاتوق‌های قدیمی، همچنان جذاب‌اند و می‌شود بر اساس آنها، برنامه‌هایی تلویزیونی ساخت و کلی مخاطب جذب کرد. این موضوع حتی به دهه ۶۰ هم رسیده است. اینکه در مورد کارتون‌های دهه ۶۰ و تولیدات آن زمان و شیوه زندگی با شکلی آغشته به حسرت یاد می‌شود. چرا این همه تمایل به یادآوری گذشته در جامعه ایرانی دیده می‌شود؟ بهتر است در نام‌گذاری این موقعیت عجله نکنیم. همین «تمایل به یادآوری گذشته» هم محل تردید است. می‌شود با تعریف نوستالژی شروع کرد: نوستوس (nostos) یعنی بازگشت و الگو (algo) یعنی درد نوستالژی، یعنی درد بازگشت. درد بازگشت، درد جدافتاده است. جدافتادن از مکانی که به‌دنبال تجربه گسست و جاکن‌شدن، از آن دور افتاده‌ای. این مکان از دست‌رفته است که به‌دنبال جدایی بدل می‌شود به زمان از دست‌رفته، می‌شود دیروز. در نتیجه، نوستالژی عبارت است از درد بازگشت یا میل به بازگشت به جایی که دیروز. موضوع هم، زمان است و هم به تعریفی از هویت ارجاع می‌دهد. گذشته، امر دیروزی، موضوع تاریخ است و موضوع حافظه نیز. گذشته و دیروز را به اشکال متعددی می‌شود به یاد آورد: در خلال حافظه‌ها، با تکیه بر علم و آگاهی تاریخی، با تصاحب آن، با رویکردی گزینشی و تکه‌پاره و… می‌توان اساس فراموشش کرد و منکرش شد.

«گذشته» در جامعه ما چه موقعیتی دارد؟ در مورد جوامع سنتی گفته می‌شود در آنها گذشته، به گذشته سپرده نشده است، گذشته امری است اکنونی و جاری. دور نیست که موجب نوستالژی شود. در مورد جوامع مدرن برعکس گفته می‌شود قبل از هر چیز آنچه تغییر می‌کند، رابطه با زمان است و آن «اکنون» حوزی انسان مدرن است. پرسش این است ما در چه موقعیتی هستیم: «اکنون» محور مدرن یا «گذشته»‌ای که هنوز نگذشته است. هیچ‌کدام و درعین‌حال، هر دو ناشی را گذاشته‌اند جوامع در حال گذار. از یک‌سو زمانی که باسرعت می‌گذرد و تجربه گسست‌های رادیکال را مکرر می‌کند و (به همین دلیل نوستالژی سر می‌زند) درعین‌حال، جامعه‌ای با حرکت کند فرهنگی و تکرار تجربیات مکرر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی. تجربه گسست ما را مستعد نوستالژی می‌کند و حرکت کند فرهنگی بر تکرار قاعداً باید مانع از شکل‌گیری نوستالژی باشد. جوامع در گذار و در معرض گسست‌ها یا رادیکال، به شکلی پارادوکسیکال نوستالژیک هم هستند. تاریخ و حافظه در بازخوانی امر گذشته هم رقیب هم خوانده شده‌اند و هم هم‌دست یکدیگر. در غیبت آگاهی و شناخت تاریخی، حافظه‌ها تنها نقاط عزیمت قابل اعتماد برای به‌یادآوردن دیروز هستند و در نتیجه عاطفی، گزینشی، تکه‌پاره، متأثر از امر زیست‌شده، شخصی و دستخوش قبض‌وسطباتی احساسی (خشم باشد یا ایده‌آلیزه‌شده)، برای بازسازی دیروز به حافظه‌ها نمی‌شود اعتماد کرد، اگرچه ضروری‌اند تا در این بازسازی، وجه انسانی امر زیست‌شده لحاظ شده باشد. نوستالژی همین است: به‌یادآوردن دیروز، همچون تکیه‌گاهی هویتی از خلال حافظه‌ها. در غیبت آن آگاهی تاریخی‌ای که با تکیه بر شناخت و نقد در پی تصاحب یک میراث است، نوستالژی که عاطفی، گزینشی، ایده‌آلیزه است، رقیب تاریخ می‌شود. این پارادوکس را در مقیاس جهانی هم می‌شود دید: هویت‌گرایی‌های رنگارنگ قومی و فرهنگی و عقیدتی همچون فرزندان عصر جهانی‌شدن. هویت‌گرایی، ای‌بسا نوعی نوستالژی است. این از مضرات نوستالژی است: ایده‌آلیزه‌کردن یک دیروز از دست‌رفته. مزایایش چیست؟ بستگی دارد به تعریفی

فرهنگ ایرانی . جامعه



نگار حسینی، دانش‌آموخته تاریخ

گفت‌وگو با سوسن شریعتی درباره علاقه ایرانیان به گذشته‌گرایی

تبعید به گذشته

که از هویت داریم: همچون خاطره و نیز همچون ابداع. یادآوری اینکه چه کسی بوده‌ای و درعین‌حال، خلق یک موقعیت جدید. هویت در میانه این دواست که شکل می‌گیرد؛ موجودیتی زنده و سیال که در عین حال که به یاد می‌آورد، می‌سازد. بنابراین فقط تکرار و تقلید و عشق به دیروز نیست. انسان با هویت به یاد می‌آورد و درعین‌حال، خلق می‌کند. بنابراین هویت در یک دیالکتیک تعریف می‌شود: ابداع و به‌یادآوردن دیروز. نوستالژی می‌تواند امر مثبتی باشد، چراکه در موقعیت‌های گسست، در موقعیت‌های کنده‌شدن و پرتاب‌شدن و گسستگی، با یادآوری دیروز و با توسل به عناصری از گذشته می‌تواند کمک‌رسان باشد و تداومی را تضمین کند. مثلاً برای انسان تبعیدی این نوستالژی (برای زبان مادری، سرزمین پدری، میراث ملی) تکیه‌گاهی است که بتواند دو زمان را –زمان متوقف‌مانده از دست‌رفته را در زمان دینامیک کشور میزبان– هم‌زمان زندگی کند.

❧ **پس چرا جامعه امروزی ما برای دیروز دور می‌شود؟**
به همان دو دلیلی که در تعریف نوستالژی آمد: هم دلیل هویتی دارد و هم ربط دارد به رابطه مغشوش با زمان: گذشته و اکنون. رابطه با اکنون مغشوش است به‌دلیل همان گسست‌های رادیکال و پرسرعتی که میزب عصر ماست و درعین‌حال، رابطه‌ای مغشوش با گذشته از این منظر که حافظه‌محور و شفاهی مانده و به تمامی تصاحبش نکرده است و فقط می‌تواند به گونه‌ای عاطفی و با ایده‌آلیزه‌کردنش، برای این خود مغشوش خاطره‌ای بسازد، البته اینکه چرا گفتمان انتقادی تاریخی جانشین حافظه‌محوری نوستالژیک نمی‌شود، دلایل بسیاری دارد و از جمله آن منحصراًندانن در تاریخی به برخوردی است که قدرت‌ها داشته‌اند برای کنترل دیروز.

مثلاً سرعت گسست را در ماجرای نسلی می‌توان تعقیب کرد. اگر ۲۵ سال را معمولاً حد فاصله ۱۰ ساله کافی است که احساس کنی به نسلی دیگر تعلق‌داری (به لحاظ اخلاقی، فکری، اجتماعی و…) احساس از دست‌رفتنی ترس از دست‌رفتن را به وجود می‌آورد و به‌دنبالش حسرت را.

غیبت نگاه انتقادی به دیروز و شناخت از آن از یک سو، سرعت گسست و تحولات از سوی دیگر و به طور کلی زیست‌های اورژانسی در موقعیت اکنونی ما فرصت‌هایی مناسب فراهم می‌کند برای سرزدن نوستالژی؛ نوستالژی برای دیروزی دور یا گذشته‌ای نزدیک‌تر. هرچه دورتر بهتر، بااین‌همه یک تذکر لازم است و آن اینکه اگرچه نوستالژی رقیب شناخت تاریخی است اما کیفیت شکل‌گیری‌اش ربط مستقیمی دارد به سطح شناخت ما از دیروز. هرکس به اندازه اطلاعات و شناختش، دیروز را به یاد می‌آورد و بر همان اساس نسبت به آن احساس حسرت می‌کند. چه چیز را به یاد می‌آوریم و چه نوع حسرتی داریم؟ تا کجابر انگیزاننده است یا برعکس مقاومت ایجاد می‌کند؟ معلوم نیست.

❧ **تمایل به جمع‌کردن پاک‌کن و تراش و مداد میان مولدین دهه ۶۰ دیده می‌شود؛ بازگشت به این فضاها چه توضیحی دارد؟**

اشاره شد. می‌فرمایید دهه ۶۰. وقتی قرار باشد به دیروز، آن هم دیروزی به این نزدیکی، از خلال حافظه‌ها و نه نگاهی تام و کلان و محصول شناخت نگاه کنیم، همین می‌شود. دهه ۶۰ برای یکی می‌شود مدرسه موش‌ها، برای یکی رشادت‌ها و قهرمانی‌های هم‌نسلی‌ها در جبهه‌ها و خیابان‌ها و برای یکی –به‌قول نامجو– بازگشت شهدای جنگ، دیگری کوپن، درگیری‌های خیابانی… در مورد دهه ۶۰ و نوستالژی‌ای که از آن حرف می‌زنیم نمی‌دانم اسمش را چه می‌شود گذاشت. «یادش بخیر» می‌ردیم یا مثلاً: «یادش بخیر. شده بودیم ارتش بیست میلیونی، «یادش بخیر صف‌های طولانی کوپن». چرا شاید بتوان گفت: «یادش بخیر چه این‌اگر بودیم!» «یادش بخیر

در دوره شاه بحث بازگشت به خویش که پیش آمد با همین نگاه بود. (برخلاف تصور عمومی، این بحث را در آغاز شریعتی مطرح نکرد، به‌نوعی خود نظام مطرح کرد. شریعتی فقط پرسید: بازگشت به کدام خوش؟) شریعتی به طنز می‌گفت: «بازگشت به خیش!» این مراجعه ازگوتیک به گذشته، عناصری از گذشته را برمی‌گیرد و به موتیف‌های دکوراتیو بدل می‌کند و در زیستی مدرن‌شده قرار می‌دهد. شریعتی اتفاقاً در بحث بازگشت به خویش نقد متوجه این وجه دوگانه نوستالژی– ازگوتیک در مراجعه به دیروز است. می‌گوید این بازگشت به دیروز اگر با شناخت و رویکردی انتقادی نباشد، بی‌معناست. حتی ادامه می‌دهد: «این‌که تحصیل حاصل است». بازگشت ندارد چون اساساً از آن دیروز متصلب و ارتجاعی رد نشده‌ایم که بازگشت به آن ضروری باشد یا حتی نوستالژیک. به این خویش دیروزی باید رویکرد انتقادی وجود داشته باشد و غریبال شود، سره و ناسره شود، به نقد کشیده شود. ایده‌آلیزاسیون دیروز نوعی ترس‌خوردگی است و پناه‌بردنی بی‌فایده. ممکن است نشان دهد که ما در پی هویتی از دست‌رفته هستیم و نشان‌دهنده این باشد که از این بی‌هویتی ناراضی هستیم، اما با نوستالژی نمی‌توان هویت ساخت. هویت فقط به‌یادآوردن نیست بلکه ساختن هم هست.

پارادوکس همین است: هم دستخوش گسست‌های رادیکال هستیم و هم زمان فرهنگی با تغییرات گُند، هنوز تحول اساسی‌ای طی نکرده است. گسست و درعین‌حال تکرار. در شرایط گسست، نوستالژی ممکن است، اما در شرایط تکرار چطور؟ هم‌زمانی ریتم تند گسست یا تداوم، از معماری شهری شروع کنیم؛ یعنی مکان و بنا همچون یک رفرنس عاطفی و هویتی برای آدم‌ها. مثال فرانسه را می‌زنم که بیشتر می‌شناسم؛ تداوم در عین پویایی و دینامیک. همه نوآوری‌های آرشی‌تکتورال در درون همان میراث چند قرن‌ی صورت می‌گیرد. فرق دارد با من ایرانی که بناهای بیشتر از ۱۳،۱۲۱ سال کلنگی محسوب می‌شود و طبیعتاً ۲۰ سال پیش را برایم نوستالژیک می‌کند. این سرعت مخرب و درهم‌ریخته که ناشی نوسازی است بی‌تردید متفاوت است با کشورهایی که در نوسازی خود با ملاحظه بیشتری نسبت به قرن ۱۸ حرکت می‌کنند. این نگاه

فاوستی (faust) ما هنوز قرن هجده،نوزدهمی است؛ بکوب و بساز. نمادش خیابان تهران در مشهد ماست؛ خیابانی که ختم می‌شود به حرم امام رضا(ع). زمانی ولیان، استاندار خراسان در زمان پهلوی آمد و تراشید درویر حرم را و حالا با بزرگکردن هتل‌هایی رنگارنگ (نما رومی، استیل روکوکو (rococo)، نما شیشه‌ای و…) تا نزدیک حرم امام رضا(ع) فضایی ساخته که یادآور هیچ دیروزی که نیست هیچ، هیچ ناگجای دیگری را به خود نداده و درعین‌حال، رابطه‌ای مغشوش‌های هم تداعی نمی‌کند. خب طبیعی است من مشهودی طی همین چند سال از خودم بیرسم کجاست آن مشهود و شروع کنم به گفتن «یادش بخیر اون مه‌نا!» این سرعت فاضلی مدرن است که گسست‌های رادیکال وارد امروز ما می‌کند و منجر به ایده‌آلیزه‌کردن دیروزی می‌شود که ایده‌آل نبود. همین گسست‌های بی‌تنه و ذوق‌زده و دستپاچه و پروتهم را در همه حوزه‌های زیبایی‌شناسانه، اخلاقی، اجتماعی و… می‌شود دید.

با این همه بر سر نامیدن این وضعیت هم باید دقت به خرج داد: مراجعات نوستالژیک به دیروز با مراجعه ازگوتیک یکی است؟ مثلاً مدشن دوباره استیل پوشش دهه ۶۰ میلادی در اروپا، یا «آرت-دکو» که نوعی بازگشت به دیزاین دهه ۶۰ است در دکوراسیون خانه و اشیای زندگی روزمره و… این مدرنیزاسیون

فاوستی است که نوستالژی‌پور است. در مدرنیته متواضع‌تر امروز بر خلاف تصور با چنین شب خواب‌رقتن‌ها و صبح از خواب بیدارشدن‌های ناگهانی روبه‌رو نیستی. ۴۰ سال می‌روی و می‌آیی و باز همان مغازه و همان سبزی‌فروشی و همان جاده و… منظور این است که ازگوتیزم نوستالژی نیست. موقعیت ما دوگانه است: هم با نوسازی‌های فاوستی روبه‌رویم (پاک‌کردن دیروز یا هیچ حسرتی و از سوی دیگر: مراجعهی ازگوتیک که به یک نوع لوکس تبدیل شده: حوض و سیب و هندوانه داخل حوض و رنگ ایرانی و دمنوش و… نوستالژی را گاه می‌سازیم (و بدل می‌کنیم به کالا) گاه به شکلی خودجوش شکل می‌گیرد. نوستالژی را در هر موقعیتی نمی‌توان استفاده کرد. هر نسلی نوستالژی‌های خود را دارد و ای سالی در تحلیل حسرت‌هایش بشود نقبی زد به امروزش. نوستالژی برای دهه ۶۰ لابد مختص نسلی است که امروز مثلاً حدود چهل سال دارد و از آن سال‌ها پاک‌کنش را به یاد می‌آورد و دفترش را حتی ارزش هویت‌بخش هم ندارد. بلکه! خاطره هست و مثل هر خاطره‌ای چیزی از وجه انسانه‌ای یا دگر دارد.

❧ **در فضاها ایرانی خلی بابی باشد است اینکه کاسب‌بشقاب‌هایی را که مادر بزرگ‌ها رد کرده بودند دوباره به خانه‌ها برگردانیم، یعنی دکور خانه‌هایمان پر شده است از کاسب‌بشقاب‌های سیی و فانوس‌های چنده‌سال پیش. این نوستالژی نیست؟**

این بازگشت به کاسب‌بشقاب و اشیای قدیمی که یادآورند و البته خارج‌کردشان از مصرف سنتی خود اتفاق می‌افتد از زمان‌های قدیم موضوع بحث بوده

خبر

وزیر آموزش وپرورش اعلام کرد

انتقال نیروی‌مازاد آموزش وپرورش به‌دستگاه‌های دیگر

● **ایستا:** وزیر آموزش وپرورش با بیان اینکه مجوز استخدام پنج هزار نفر از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی صادر شده است، گفت: امیدواریم آزمون استخدام ۵ هزار نفر در مرداد امسال برگزار شود.
علی‌اصغر قانی درباره استخدام گفت: با پیگیری‌های وزارت آموزش وپرورش، مجوز استخدام پنج هزار نفر به استناد ماده ۲۸ اساس‌نامه دانشگاه فرهنگیان از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی صادر شده است و امیدواریم داکتر اواسط خرداد ماه دستورالعمل آن را صادر کنیم و امیدواریم آزمون در مرداد ماه برگزار شود.
وزیر آموزش وپرورش در پاسخ به این پرسش که «در جزئیات رتبه‌بندی گفته شده است نیروی مازاد در آموزش وپرورش به دستگاه‌های دیگر منتقل شوند»، افزود: اصلاً هیچ ربطی به هم ندارند؛ به‌طور کلی هر دستگاهی ازجمله آموزش وپرورش اگر نیروی مازاد داشته باشد و آن نیروی مازاد مورد نیاز سایر دستگاه‌ها باشد، اگر آن نیرو خوش بخواهد، می‌تواند منتقل شود و این ارتباطی با رتبه‌بندی ندارد.

وزیر بهداشت:

مسئله جمعیت توهم نیست

● **فارس:** وزیر بهداشت گفت: موضوع جمعیت مشکل جدی است و برخاسته از توهم یا نگاه متعصبانه مذهبی نیست، این نگاه کاملاً هوشمندانه و ملی و در جهت استقلال و امنیت کشور است.
سیدحسن قاضی‌زاده هاشمی در مراسم روز جهانی ماما که دیروز در وزارت بهداشت برگزار شد، اظهار کرد: ای کاش در گروه پرستاری نیز رفتارهایی شبیه آنچه در گروه مامایی رخ می‌دهد را شاهد بودیم و آنها قضیه را سیاسی نمی‌کردند و کار از مسیر عقلانیت پیش می‌رفت تا فشار؛ زیرا تجربه نشان داده است افراد تندرو و زورگو هیچ‌وقت به نتیجه نمی‌رسند. خوشحالییم که کارها در گروه مامایی به‌خوبی پیش می‌رود. وی افزود: موضوع جمعیت مشکل جدی است و برخاسته از توهم یا نگاه متعصبانه مذهبی نیست، این نگاه کاملاً هوشمندانه و ملی و در جهت استقلال و امنیت کشور است.
وزیر بهداشت ادامه داد: ایرانیان باید به کودک‌آوری تشویق شوند. دیدگاه متعصبانه، زمانی است که بحث ازدواج را جلدی نگیریم، بانک‌ها به کمک نایبند و مجلس قوانینی را در این خصوص تصویب نکند. وی افزود: اکثر متخصصان زنان، خانم‌ها هستند و به خاطر مسائل زندگی، نمی‌توانند شب کار کنند. از طرفی، بیمارستان‌ها اتاق‌های رایمان را به اتاق عمل سزارین تبدیل می‌کنند، بنابراین باید این دستورالعمل وجود نداشته باشد که هر بیمارستانی می‌خواهد بخش رایمان داشته باشد، باید فضایی را برای رایمان بی‌درد، آب‌درمانی و غیره اختصاص دهد. وی خاطرنشان کرد: ما برای هر کودک یا مادری که فوت می‌کند باید تیمی بفرستیم به‌ویژه در مرگ مادران، چراکه اگر سیستم کنترل دقیقی داشته باشیم، نباید مرگ مادری اتفاق بیفتد. بنده خود شخصاً بر این موضوع نظارت می‌کنم. ما برای سر‌دشت پیش از چهار گروه فرستادیم، همچنین کسانی که فکر می‌کردن با ترویج رایمان طبیعی میزان مرگومیر مادر و نوزاد افزایش پیدا می‌کند، شاهد بودند که نکتها این میزان افزایش پیدا نکرد، بلکه شاهد کاهش آن نیز بودیم.

«صالح‌آباد» گزینه احتمالی بهشت‌زهر۲

● **ایستا:** مدیرعامل اتحادیه سازمان‌های آرامستان‌های کشور درباره سرنوشت شست‌وشوی گمانیه‌ای اموات گفت: متدی، ابتشاد از این دستگاه‌ها در آرامستان فردوس مشهد آزمایشی انجام شد که به‌دلیل مشکلات شرعی که داشت، فعلاً متوقف شده است.
قدرت‌الله قزیریان درباره کمبود ظرفیت آرامستان‌ها به‌ویژه در کلان‌شهرها گفت: برای تهران در چندین منطقه از جمله غرب و منطقه صالح‌آباد زمین‌های در نظر گرفته شده؛ البته هنوز به‌صورت نهایی انتخاب نشده است.

تاریخ جدید برای حذف کنکور

● **ایستا:** شیوه برپایی کنکور در سال جاری برای ورود داوطلبان به مراکز آموزش عالی سراسر کشور تغییر نخواهد کرد و آزمون مذکور مانند سال گذشته در موعد تعیین‌شده برگزار می‌شود.
معاون متوسطه وزیر آموزش وپرورش، گفت: در حال حاضر در شورای عالی انقلاب فرهنگی بحث تقسیم‌بندی مناطق برای برپایی آزمون سراسری ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی غیردولتی کنکور در سال جاری نیست.
علی زرافشان، در پاسخ به اینکه آیا امسال تغییری در نحوه برگزاری آزمون سراسری ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی غیردولتی خواهیم داشت؟ اظهار کرد: شیوه برپایی کنکور در سال جاری برای ورود داوطلبان به مراکز آموزش عالی سراسر کشور تغییر نخواهد کرد و آزمون مذکور مانند سال گذشته در موعد تعیین‌شده برگزار می‌شود.
او گفت: آزمون سراسری ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی غیردولتی در سال ۹۷ حذف و داوطلبان براساس سوابق تحصیلی، در دانشگاه‌ها پذیرفته می‌شوند.

ادامه در صفحه ۱۹